

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

بنام خداوند جان و خرد

رویدادهای عراق در مسیری پیش می رود که بار دیگر ایران فرصتی بزرگ را در منطقه از دست خواهد داد

درگیری و مبارزه مستقیم در مناطق شیعه نشین و سنی نشین ماههای پرهزینه و پرتلفاتی بوده است.

افزون بر آن، بموازات درگیری های نظامی با افراد وابسته به لشکر مهدی، عملیات تخریبی و انتحاری افراد وابسته به گروه القاعده هم، که شایع است از برخی از کشورهای همسایه عراق به این کشور وارد شده اند، قویاً مطرح شده است. نکته در خور توجه آنکه در آغاز ورود آمریکاییان، یک گروه تروریستی وابسته با القاعده، مرکب از افرادی از کشورهای عربستان، یمن، افغانستان و اردن به رهبری ملا کریکار، که پیشتر دولت صدام حسین از آنها علیه کردها و برای ترور رهبران آنها حمایت می کرد، در منطقه اورامانات مبارزه علیه نیروهای ائتلاف و رهبران کرد را در پیش گرفت، که در نتیجه حملات هوایی و موشک های هدایت شونده آمریکاییان همراه با حملات زمینی نیروهای کرد، مناطق تحت نفوذشان را از دست دادند.

ولی اینک افراد دیگری وابسته به گروه القاعده، عملیات تروریستی را در عراق، بویژه در منطقه شیعه نشین، در پیش گرفته اند. مجموعه این عوامل و رویدادها باعث شده که کانون درگیریهای نظامی به مناطق شیعه نشین بویژه کربلا، نجف و دیگر اماکن مقدس سوق داده شود. گو اینکه در این جریان مقتدا صدر و لشکر مهدی بعنوان محور مخالفت، مبارزه و مقاومت در برابر نیروهای ائتلاف و دولت موقت در صحنه ظاهر شده است و توانسته فراتر از مقاومت ۱۴ روزه صدام حسین، در برابر آتش دشمن پایداری نماید و در نتیجه در جریان گذران و نا پایداری رویدادها، نوعی ویژگی قهرمانی کسب کند. ولی فرایند این حوادث و رویدادها به دلایل ذیل زمینه را پیش از پیش به زیان شیعیان و برخی دولتهای منطقه پدیدار ساخته است:

- ۱- وجود اختلاف نظر و تشتت میان شیعیان را بیش از پیش آشکار ساخته است.
- ۲- موضع جناحهای شیعی شرکت کننده در ساختار نظام موجود عراق، مانند مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، حزب الدعوة و احمد چلی رهبر کنگره ملی عراق را شدیداً تضعیف نموده است.

اساسی موقت، نظرات این دو گروه بنحو مطلوب ملحوظ گردد، ولی پس از امضای قانون اساسی موقت عراق که بنظر می رسد یا ساختار قومی، مذهبی و اجتماعی جامعه عراق سازگاری داشته باشد، در مظان چالش های، به ویژه از سوی شیعیان، قرار گرفت. گروههای مختلف شیعی که از روند تقسیم قدرت در عراق بیمناک بودند، نارضایتی خود را نسبت به اعطای امتیازات ویژه به کردها، بویژه پیش بینی نظام فدرال، اعلام کردند، حتی در گنجانیدن نظام فدرال مندرج در قانون اساسی موقت به متن قطعنامه پیشنهادی شورای امنیت در رابطه با وظایف دولت موقت عراق خلل ایجاد کردند، که با واکنش شدید کردها و برو شد.

با ملاحظه آنکه شیعیان اکثریت ۶۰ الی ۶۵ درصدی جمعیت عراق را تشکیل می دهند، دیدی است در یک نظام دمکراتیک جایگاه چیره ای را عهده دار خواهند بود. ولی اتخاذ مواضع نادرست آنها سبب شده که روند تصمیم گیریهای عملی و حقوقی سود طرفهای دیگر، بویژه اهل تسنن، تغییر داده شود.

زیرا از یکسو شیعیان به سبب اختلافات و تشتت درونی نتوانسته اند با همبستگی دیدگاهی جایگاه راستین خود را در جریان تصمیم گیریهای مربوط به ترتیبات و ساختار سیاسی آینده عراق تأمین نمایند. از سوی دیگر، از آنجایی که علانق، وابستگی ها و تعصبات عراق نسبت به ارزشهای عربیسم بیش از اعتقادات شیعیسم بوده است، با هر طرح حقوقی - سیاسی که بگونه ای منتهی به اختلاف در تمامیت ارضی عراق شود، و یا احتمال تجزیه عراق را در پی داشته باشد، در مقام مخالفت برآمده اند. به همین جهت، آیت اله سیستانی نارضایتی خود را از برخی اصول قانون اساسی موقت، بویژه ساختار نظام فدرال، ابراز داشته است. برخی دیگر به هر تأکید جدایی سیاست از حکومت انتقاد دارند. بالاخره، گروههای دیگر شیعی، بویژه طرفداران مقتدا صدر که خواستار عدم پیگیری نقش او در رابطه با قتل آیت اله خوینی و نیز اعطای سهمی از قدرت در عراق به خود بودند، وقتی با مخالفت دولت موقت و توقیف روزنامه رسمی خود روبرو شدند، اقدامات مسلحانه علیه نیروهای ائتلاف و دولت موقت را در پیش گرفتند. و در نتیجه، سه ماه دوم سال ۲۰۰۴ برای نیروهای آمریکا در

دو ماه پس از انتقال حاکمیت به دولت موقت عراق، که بعنوان گامی جدید در راستای هدف اعلام شده استقرار نوعی دمکراسی در عراق و در عین حال کاهش خشونت ها و بحران های موجود در این کشور انجام گرفت، در عمل با دشواریهای تازه ای روبرو شده که حتی دخالت بیشتر سازمان ملل متحد در پرورش آینده سازی عراق و ورود و حضور کشورهای دیگر نیز نتوانسته است در رفع و تخفیف بحران های مورد بحث آنچنانکه باید و شاید کار ساز شود. در این فاصله، پیش از ۱۱۰ سر باز آمریکایی جان باخته اند. جریان گروه گانگیری افراد وابسته به گروههای ائتلاف و همکاران عراقی آنها نیز افزایش بیشتری پیدا کرده است. فراتر از همه، بخشهای بیشتری از کشور دستخوش ناآرامی و درگیریهای شدید گردیده که گسترش عملیات نظامی و هوایی ویژه و ضروری ساخته است. مهمتر آنکه، کانون بحران از مثلث سنی نشین که در آغاز اشغال عراق از سوی فداان صدام و افراد گارد ویژه رئیس جمهور و دیگر مخالفان انجام می گرفت، به مناطق شیعه نشین، بویژه نجف و کربلا و دیگر اماکن مقدس منتقل گردیده است. این جایجایی کانون بحران اثرات سیاسی خاص خود را در چگونگی ترتیبات سیاسی آینده عراق، بویژه در رابطه با جایگاه و نقش شیعیان از یک سو، و ملحوظ نداشتن مصالح و منافع برخی از کشورهای همسایه متمم به دخالت و تشدید ناآرامیها و حمایت از برخی گروههای چالشگر از سوی دیگر، را در پی داشته است.

در نیمه اول ۲۰۰۴، اکثر حملات از مثلث سنی نشینی پیرامون بغداد علیه آمریکاییها صورت می گرفت، که علیرغم دستگیری صدام حسین و کشته شدن پسران او، نه تنها آرامش در این مناطق برقرار نشده بلکه کنترل آن نیز از دشواریهای اصلی نیروهای آمریکایی بوده است. به همین جهت، آمریکاییها بر آن شدند که برای تحقیق برنامه دمکراتیزه کردن جامعه عراق بیش از پیش از جلب همکاری مناطق کردنشین و شیعه نشین، دو گروهی که دچار محرومیت در نظام پیشین عراق بودند، بهره جویند. بویژه آنکه مناطق کردنشین کاملاً امن و شیعه نشین نیز تا حدودی از امنیت نسبی بر خوردار بود. در همین راستا، کوشش شده در ترکیب شورای انتقالی و تدوین قانون

رویدادهای عراق در مسیری پیش می رود که بار دیگر ایران فرصتی بزرگ را در منطقه از دست خواهد داد

۳- موضع آیت اله سیستانی را در برابر این رویدادها با دشواریها و ابهاماتی روبرو ساخته و همین امر سبب عزیمت ایشان به لندن برای معالجه گردید.

کو اینکه بازگشت ایشان و حل معضل نجف اعتبار و جایگاه وی را مشخص ساخت. ولی این رویداد در روند امور در رابطه با جایگاه واقعی شیعیان تأثیر آنچنانی نخواهد داشت.

۴- نهادهای رژیم پیشین عراق که در استراتژی اعلام شده از سوی پل برتر ناظر به یعت ژدایی و ونقی میانی ارزشی حزب بعث از گردونه خارج شده بودند، بتدریج یکی پس از دیگری زنده شده و افراد آن در ساختار ارتش، پلیس و دیگر نهادهای حکومتی جای داده می شوند.

۵- از آنجاییکه کشورهای همسایه عراق، مانند ترکیه، سوریه، اردن، کویت و عربستان سعودی از احراز جایگاه چیره شیعیان در نظام آینده عراق شدیداً ناخشنود بودند، اینک که شیعیان بتدریج به حاشیه رانده می شوند و جایگاه مرکزی خود را از دست می دهند، نفوذ و متافع خود را در نظام آینده عراق مشخص تر می بینند.

۶- با اینکه برخی از دولتهای مذکور مانند ترکیه، سوریه و عربستان سعودی، هر یک از زاویه خاص خود از زمین گیر شدن آمریکا در عراق و عدم امکان اجرای برنامه های اعلام شده در منطقه راضی بنظر می رسیدند و به انتحاء مختلف از راه دخالتهای مستقیم و غیر مستقیم در تشدید بحرانهای درونی عراق فعال هستند، و با زیرکی تمام خود را از اتهامات وارده بر کنار نگه داشته و بار دخالتها را متوجه همسایه دیگر عراق و در عین حال رقیب منطقه ای خود نموده اند. افزون بر اینها، موضع گیریها و اظهار نظرهای برخی از مقامات ایرانی و رسانه های گروهی ایران، این اتهامات را در رابطه با دخالت ایران در رویدادهای عراق پر رنگ تر نموده است.

۷- مجموعه این اتهامات و ادعاها سبب شده که برخی از مقامات دولت موقت عراق چون وزیران دفاع و کشور این دولت، موضع گیریهای غیر دوستانه و چالشگرانه ای که تداعی کننده موضع بعثیان عراق است در برابر ایران در پیش گیرند.

خلاصه آنکه مجموعه رویدادهای مورد بحث منتهی به دور روند و نتیجه احتمالی زیر خواهد بود.

۱- شیعیان با اینکه اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می دهند و می بایست جایگاه چیره ای در نظام سیاسی آینده عراق داشته باشند، بتدریج به حاشیه رانده می شوند و گروههای دیگر جایگاه سنتی خود را بازمی یابند.

۲- مصالح، منافع و نفوذ ایران در تریبیت سیاسی آینده عراق، به دلیل ادعاها و اتهامات وارده، آنچنان که باید و شاید در زمینه های سیاسی و اقتصادی ملحوظ نخواهد شد و بار دیگر نارسایی و نابسامانی سیاست خارجی ایران در رابطه با عراقی که پس از سرنگون شدن رژیم بعثی عراق بعنوان فرصت جدید بسود ایران تلقی می شد، بتدریج بعنوان آینده ای نگران کننده تبدیل شده است.

در آئینه ...

آنشی که در روز ۲۸ مرداد از خانه دکتر مصدق زبانه کشید، آنشی بود که بر خرمن امیدها و آرزوهای میلیونها انسانهای در بند و ستمدیده جهان سوم فروخته شد. آن یادآور آنشی بود که اسکندر بر تخت جمشید و اعراب بر تیغوفون و مغولان بر پهنه ایران افروختند. ولی امریمنان باید بداند که اگر هزاران بار آتش برافروزدند و بر هستی این ملت افکندند، بلا این مردم استوارتر و با ایمنتر و با هزمی راسخ دست در دست هم داده و یکصد این سرود را سر خواهند داد که دوباره می سازم و وطن.

خانه مصدق از آتش کینه استعمار و استبداد سوخت، ولی آن آتش هرگز خاموش نشد و شعله های سرکش آن فروکش نکرد و در طول نیم قرن آتش افروختگان را در کام خود فرو برد و روز بروز بر گسترده گی آن افزوده شد تا جاییکه برجهای آمریکارادر بر گرفت، و امروز نیمی از خاورمیانه را، تا فردا چه پیش آید، آری، این حکم طبیعت است؛ آنان که امروز باد کاشتند، امروز باید توفان در و کنند. چه نیگویم با اگر انسانها و آنهاهی که در مسند قدرت نشسته اند، در آئینه تاریخ جوهر حوادث میزان خلوص و عیار اعمال گذشته را ارزیابی می کردند و از رویدادهای گذشته عبرت می گرفتند.

شگفتا، با وجود اینکه همه ما با تاریخ آشنا هستیم و کم و بیش از تجربیات تاریخی گذشته و حال، که خود بصورت عینی نظاره گر آن بودیم و مزه تلخ استبداد و ستمگری را چشیده ایم و نتایج آنرا دیده ایم، هنوز باور نداریم که در زیر کرسی قدرت چه دیو امریمنی خفته که محض جلوس بر آن گذشته خود و ملت و تاریخ را فراموش می کنیم و آنچه را که در گذشته نمی پسندیدیم و با آن مبارزه می کردیم بار دیگر بیختر و شدیدتر به اجراء در می آوریم، در نتیجه، تغییر مسیر داده و به همان راه می رویم که جباران رفتند و در نتیجه خود و ملتی را به سفلخ و مفلت تاریخ می کشانیم.

واقعیت های مسلم را قلب نکند

دارم. حضرت آیت اله در پاسخ با اشاره به سوابق دوستی دیرین خود گفتند شما مهمان مجلس می باشید و بعلاوه مورد احترام همه آقایان بوده و هستید. از مزاحتهایی که تا کنون برای شما فراهم شده متاسفم، چون من خدمات شما را به نهضت ملی ایران هنوز فراموش نکرده ام و امیدوارم به خدمت بیشتری بتوانم نائل شوید، اینجا هم خانه ملت است و شما می توانید تا هر وقت که بخواهید باشید. در این موقع، حضرت آیت اله کاشانی رئیس گارد مجلس شورای ملی را احضار و دستورهای لازم را صادر کردند. ضمناً آقای آبتین، رئیس اداره بازرسی مجلس سابق ستا، را مامور پذیرایی ایشان نمودند... (روزنامه کیهان ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۲).

ملاقات آیت اله کاشانی با زاهدی بقرار اطلاع دیروز شنبه ۳۱ مرداد، آقای نخست وزیر از حضرت آیت اله کاشانی تقاضای وقت ملاقات کردند و در شمعیران با حضور آقایان شمس قنات آبادی، دکتر بفتانی، نادعلی کریمی، حائری زاده، آیت اله کاشانی و ملاقات کردند... (نوشته جلد چهارم، صفحه ۹، مصاحبه آیت اله کاشانی با خیرنگاران خارجی پس از کودتای ۲۸ مرداد... نسبت به حکومت آقای سرلشکر زاهدی آیت اله کاشانی به معجزین گفتند من امیدوارم که آقای زاهدی موفق به انجام اصلاحات بشود و از فقر و ناامنی و کمونیزم جلوگیری کند... مخبر روزنامه المعصری از او پرسید آیا عقیده دارید مصدق مستحق همین سرنوشتی بود که به او رسید؟ او جواب داد: خداوند عادل است و آنچه امروز بر مصدق گذشت، نتیجه عدل خداوندی است. از آیت اله کاشانی پرسیدم آیا عقیده دارید که دکتر مصدق برای برقراری رژیم جمهوری فعالیت می کرد؟ او جواب داد "آری برای برقراری جمهوری می گوئید، مصدق چهار ماه قبل می خواست که شاه را از ایران اخراج کند، ولی من نامه ای به شاه نوشته و از او خواستم که از مسافرت خودداری نماید و شاه هم موقتاً از فکر مسافرت منصرف شد. یک هفته قبل مصدق شاه را مجبور کرد که ایران را ترک کند، اما شاه با عزت و محبوبیت چند روز بعد بازگشت. آیت اله کاشانی سپس اظهار داشت: در اینجا ملت شاه را دوست دارند و رژیم جمهوری مناسب ایران نیست" (نوشته جلد چهارم، صفحات ۱۰ و ۱۳ و ۲۷).

آقای دکتر محمود کاشانی (فرزند مرحوم آیت اله کاشانی) در همایشی در کشور آمریکا تحلیلی از نهضت ملی ایران در زمان حکومت دکتر مصدق ارائه داده اند که متناسبانه کاملاً تحریف شده و انتقاد پذیر است. ما انتظار داریم متن کامل آن بدست ما برسد تا برای آگاهی از گم راهی نسل جوان نسبت به تاریخ گذشته پاسخ مقتضی به آن گفتار بدهیم. ولی در بخشی از بیانات ایشان که بدست ما رسیده سعی بر این داشته اند که ارتباط نزدیک پدر خود را با هندی رسن سفیر کبیر آمریکا و کودچیان و بویژه سرلشگر زاهدی را نادیده گرفته و در پرده ابهام قرار دهند. لذا ما وظیفه خود می دانیم که کمی پرده را کنار بزنیم و خیلی کوتاه به یاری اسناد بدون کوچکترین اظهار نظر یا تغییر و تعبیری عیناً مطالب را متعکس ساخته و قضاوت را بمردم شریف ایران واگذار نماییم.

آقای دکتر محمود کاشانی اظهار می دارند: "... آیت اله الله کاشانی در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۳۲، در یک گفتگوی مطبوعاتی به گونه روشن اعلام کردند که از نخست وزیری زاهدی حمایت نمی کنند. و سپس ادامه می دهند: "... در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۲، [زاهدی] در مجلس متحصن شد و تا دهم تیرماه که آیت اله کاشانی ریاست مجلس را به عهده داشت، به تحصن خود ادامه داد و در همین حال زیر نظر و کنترل بود و نمی توانست به گونه فعال ارتباطات خود را با بیرون مجلس برقرار کند. (!)" و آنچه اسناد می گویند: "... در زمانی که دکتر مصدق دستور جلب او را صادر کرده بود، زاهدی طی نامه ای از آیت اله کاشانی درخواست تحصن در مجلس را می نماید. مقارن ساعت ۲۵:۹ بعد از ظهر ۱۴ اردیبهشت ۳۲، حضرت آیت اله با اتفاق ۱۵ نفر از نمایندگان به دیدن آقای سرلشکر زاهدی رفتند... آقای سرلشکر زاهدی طبق دستور و موافقت حضرت آیت اله در آن ساختمان در اطاق رئیس سابق ستاسکونت اختیار کرده اند. موقعی که به آقای سرلشکر اطلاع دادند حضرت آیت اله به دیدن ایشان می آیند، تا جلو عمارت از رئیس مجلس استقبال نمودند و حضرت آیت اله با سرلشکر روبوسی نمودند و سپس وارد به اطاق شدند. آقای سرلشکر زاهدی اظهار داشتند از اینکه حضرت آیت اله بزرگی فرمودند و بدیدن اینجانب تشریف آوردند، نهایت تشکر و سپاسگزاری را

آیت اله سیستانی، مردی که تفاوت قدرت و اقتدار را می داند

در آئینه تاریخ ...

تاریخ آئینه تمام نمایی است بازتاب دهنده زشتی ها و زیبایی ها، و شکل گرفته از حوادث تلخ و شیرین در کنار یکدیگر. یک رویداد ناگوار می تواند سرشت ملتی را دگرگون ساخته و اثرات مخرب آن سالها، گاه سده ها و گاه بطول تاریخ بر جای ماند.

امروز ما یادآور یکی از سیاهترین روزهای تاریخی جنبش آزادیخواهی جهان هستیم. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، روزی که هرگز از حافظه تاریخ محو نخواهد شد. کودتای ننگینی که با هماهنگی و همکاری گسترده دولتهای انگلستان و آمریکا و شوروی و عوامل داخلی مزدور و جاسوس و اراذل و اوباش و آخوندهای درباری بوقوع پیوست و مدت نیم قرن سایه شوم آن بر سراسر این مرز و بوم منطقه افکنده شد.

۲۸ مرداد سرآغاز شب سیاهی و تباهی، و زاده شدن و رشد نظامیان فاسد و دیکتاتوری ضد مردمی بود. آنان می اندیشیدند که با سرکوب جنبش ملی ایران برای همیشه اندیشه آزادی و دموکراسی را در منطقه خاموش خواهند کرد. آنها نمیدانستند که یک جنبش اصیل و مردمی هرگز نخواهد مرد و هیچگاه اعداها و زندانها و شکنجه هائی نتواند خللی در عزم و اراده ملتی بها خواسته وارد کند.

امروز جهانخواران در بائلاق قرار گرفته اند که امروز خود آفریننده آن بودند. اگر آن کودتای ننگین را پایه گذاری نمی کردند و آزادی و دموکراسی را به بند نمی کشیدند و از حکومتهای جبار و مستبد و فاسد حمایت نمی کردند و می گذاشتند نهال آزادی و دموکراسی که داشت در ایران رشد و نمو می کرد در فضائی مناسب رشد کند، برودی آن نهال بدرختی ثنور و ریشه دار تبدیل می گردید و سایه آن سراسر خاورمیانه را فرا می گرفت و مسلمان امروز جهانی غیر از آنچه داریم..... میداشتیم..... هرگز جامعه ایران در مسیر مبارزه مسلحانه قرار نمی گرفت و ملیت و ایران به اوج تنفر از حاکمیت نمی رسید تا انقلاب بهمین ماه شکل بگیرد. اگر آن کودتا صورت نگرفته بود، در افغانستان کودتای کمونیستی و سپس سلطه خشونتبار طالبان شکل نمی گرفت، و رژیم دیکتاتوری صدام مستقر نمی شد تا منطقه را به خاک و خون بکشد و بعنوان تروریست جامعه جهانی را مشوش و نگران نمی کرد.

دریست به لندن رفت و مقتدا صدر با سنگربندی در حرم حضرت علی (ع) و استقرار نیروهای خود در بخش قدیمی شهر نجف و بیرون راندن پلیس محلی، عملاً شهر را تصرف کرد. نیروهای گارد ملی دولت موقت به دلیل محظور جدی حمله به سوی حرم، تنها از پیشروی نیروهای مقتدا صدر می توانستند جلوگیری کنند، که آنهم با پیوستن نیروهای مسلح کمکی از سایر نقاط عراق، از جمله شهرک صدر در بغداد به نیروهای مستقر در حرم و در منطقه پیرامون آن، مشخص نبود تا کی می توانستند دوام آورند. در این شرایط، نیروهای آمریکایی که تا آن تاریخ از وارد شدن به نقاط مذهبی حساسیت برانگیز مانند نجف و کوفه و کربلا احتراز می کردند، وارد عمل شدند و به نبرد با نیروهای مسلح مقتدا صدر که در حرم سنگر گرفته بودند پرداختند. نیروهای آمریکایی پلیس عراق را از درگیری در محوطه آسیب پذیر حرم رها ساخت. نیروهای مقتدا صدر با ورود هواداران آیت اله سیستانی به حرم، اسلحه های خود را تحویل دادند و با لباس شخصی همراه آنان از حرم خارج شدند و از کشته یا بازداشت شدن، که هر دو وضعیت برای دولت موقت عراق بی دردمس نبوده نجات یافتند.

اگر چه گفته می شود که نیروهای مقتدا صدر بخش بزرگی از سلاح های سنگین خود را پنهان کرده اند و ممکن است دوباره دست به اقدامات نظامی بزنند، ولی آنچه در این ماجرای ۲۱ روزه در نجف رخ داد، بازگشت حوزه علمیه نجف به موقعیت مرکزیت جهانی تشیع غیر سیاسی و غیر مدعی حکومت به رهبری آیت اله سیستانی، برجسته ترین شاگرد آیت اله خویی، بود که تغییرات بزرگی را در عالم تشیع بدنبال خواهد داشت. شاید به همین دلیل بود که بنابه نوشته روزنامه سیاست چاپ کویت، به نقل از محافل دیپلماتیک لندن، طرح ترور آیت اله سیستانی که به گفته این محافل، بر اساس اعتراف شماری از بازداشت شدگان عرب، این توطئه با نظارت یک کشور همسایه طراحی شده بود، خنثی شد. از این رو، با استقبال دیگر مراجع نجف از آیت اله علی سیستانی، رویدادهای اخیر عراق را می توان طلوع مرجعیت عام تشیع غیر سیاسی در نجف به رهبری آیت اله سیستانی دانست.

اکنون آیت اله سیستانی در عالم تشیع به "اقتداری" دست یافته است که بخوبی پیداست تفاوت آنرا با قدرت حکومتی می داند.

پس از سقوط حکومت صدام و فرو ریختن تندیس های عظیم او در بغداد، شیعیان، که بزرگترین و فعالترین گروههای مخالف صدام را تشکیل میدادند و از نظر تعداد هم در عراق دارای اکثریت بودند، در وضعیت ویژه ای قرار گرفتند که می توانستند در حکومت آینده عراق نقش برجسته ای داشته باشند. در این میان، کشتن سید عبدالمجید خویی بدست یک گروه دوست نفره که به چاقو و قمه مجهز بودند، همه محاسبات شیعیان را بهم ریخت. این قتل به مقتدا صدر، فرزند آیت اله صدر که خانواده روحانی او به دست صدام قتل عام شده اند، نسبت داده شد و مقتدا صدر که به ایران نیز سویی داشته و با ملاقاتهایی داشته، لشکر مسلحی بنام المهدی بنیانگذاری کرد و به نبرد مسلحانه با نیروهای دولت موقت عراق و نیروهای انقلاب، که آنها را اشغالگر می نامند، پرداخت. یک گروه دیگر از روحانیان به رهبری برادر آیت اله سید محمد باقر حکیم (که در یک اقدام بسب گذاری تروریستی کشته شد)، مجلس اعلائی انقلاب اسلامی عراق را، که مرکز آن پیشتر در ایران بود، به یک سازمان سیاسی تبدیل نموده و در استقرار حکومت جدید و دولت موقت فعالانه مشارکت نمودند، و گروه سوم هم روحانیانی بودند که با اعتقاد به جدایی دین از حکومت، راه مرجع بزرگ شیعیان آیت اله سید ابوالقاسم خویی را دنبال می کردند، که برجسته ترین این روحانیان آیت اله سید علی سیستانی است که، علیرغم ایرانی و غیر عرب بودن، در میان مردم عراق از احترام و محبوبیت ویژه ای برخوردار است.

اما مقتدا صدر و لشکر المهدی او، افزون بر نبرد مسلحانه با نیروهای عراقی و نیروهای انقلاب، تسلط بر حوزه علمیه نجف و حرم حضرت علی را نیز دنبال می کرد و از حدود ۵ ماه پیش با اخراج خادمان سنتی حرم، آنها را در اختیار گرفت و مراجع مقیم حوزه علمیه نجف، و در رأس آن آیت اله سیستانی، برای تأیید وضعیت پیش آمده و مقتدا صدر بشدت زیر فشار بودند، و پلیس محلی مستقر در نجف، بدون کمک نیروهای بیگانه حاضر در عراق، توان رویارویی با نیروهای مسلح مقتدا صدر نبودند. اگر صدر موفق به اخذ تأیید آیت اله سیستانی می شد، دیگر مراجع نیز، که در موقعیت کم توان تری قرار داشتند، ناچار به پیروی می شدند. یعنی حوزه علمیه نجف عملاً در اختیار مقتدا صدر قرار می گرفت. اما یک اتفاق وضعیت بی ثبات ولی آرام نجف را در ماه گذشته برهم زد. آیت اله سیستانی برای عمل جراحی قلب و چشم با یک هواپیمای

دادگاه شرع مقتدا صدر

سرانجام پس از ۲۱ روز نبرد مسلحانه، شبه نظامیان مقتدا صدر که در داخل حرم حضرت علی (ع) سنگربندی کرده بودند و با سلاحهای سبک و سنگین نظامیان آمریکایی و عراقی را مورد حمله قرار می دادند، اسلحه های خود را تحویل دادند و با لباس شخصی، در میان زائران دعوت شده توسط آیت اله سیستانی، حرم را ترک

کردند. جنازه های جمع آوری شد و زخمیان به بیمارستانها رسانده شدند، البته اطمینانی نیست که ماجرا از جای دیگر و به گونه ای دیگر بروز نکند، همچنانکه پیشتر نیز سید عبدالمجید خویی در همین حرم با دشنه و قمه و چاقو، چند روز پس از سقوط صدام، به قتل رسید و چند بار نیز جان آیت اله سیستانی در معرض تهدید قرار گرفت که با دخالت نیروهای مسلح عشایر، توطئه ها ناکام ماند. اگر چه مدتی طول خواهد کشید که واقعیت های آنچه

در این ۲۱ روز بر نجف و کوفه روشن شود، ولی اینگونه وقایع نگران کننده و تاسف بار است. از جمله اینکه ۲۵ جسد اعدام شده یا سوخته و شکنجه شده در زیر زمین ساختمان دادگاه شرع مقتدا صدر که در نزدیکی حرم قرار داشته است، توسط پلیس عراق کشف و بر ملا شده است! پلیس نجف اعلام کرده است که اجساد بدست آمده که بعضاً مثله شده بودند، مربوط به پلیس یا شهرزدان عادی بوده است.

دکتر پرویز ورجاوند: مردم ایران تحمیل یک لباس واحد را بر نمی تابند

اخبار جبهه

جلسه ماهانه شورای مرکزی

جلسه ماهانه شورای مرکزی جبهه ملی ایران در ماه مرداد بریاست استاد ادیب برومند تشکیل شد. دستور جلسه انتخابات درون سازمانی جبهه ملی ایران بود که در آن هیئت رئیسه شورای مرکزی و نیز هیئت رهبری جبهه ملی ایران انتخاب شدند.

مراسم سالگرد کودتای ۲۸ مرداد

بمناسبت سالگرد کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت ملی دکتر مصدق، مراسمی توسط تشکل های دانشجویی و ملی در بسیاری دانشگاهها و شهرهای سراسر کشور تشکیل شد که از جبهه ملی ایران، آقایان دکتر پرویز ورجاوند، دکتر داود هرمیداس باوند، حسین شاه حسینی و مهندس کورش زعیم برای سخنرانی دعوت شده بودند.

وفور اسلحه در دست اشرار و تبهکاران

سقوط صدام حسین و گشایش مرزهای ایران و عراق بروی اتباع دو کشور وقت و آمدهای خارج از کنترل، باعث وفور جابجایی انواع کالاهای قاچاق بین دو کشور شده است. از جمله این کالاها، انواع اسلحه های سبک و سنگین است که دولت موقت عراق ادعا می کند از ایران برای شورشیان و مخالفین دولت موقت ارسال می گردد. از آن سو هم مقامهای ایران اظهار می دارند که سیل اسلحه سبک و سنگین از عراق به داخل ایران و بویژه شهرهای مرزی سرازیر شده است. افزایش دزدیهای مسلحانه گویای واقعیت این قاچاق خطرناک و امنیت شکن می باشد.

حضور انبوهی از اتباع و معاهدین عراقی در ایران و ارتباط و آشنایی گسترده آنان با ایرانیان، همراه با ورود انواع اسلحه های سبک و سنگین به کشور، موضوعی است که بطور جدی باید به آن اندیشید و بدون اغماض آنرا پی گیری کرد. فراموش نکنیم که با توجه به تبدیل گلایه های دو دولت به موضع گیری های تند و خصمانه، میتواند شرایطی پشت نگران کننده ایجاد کند که نمی توان نقش اسلحه های قاچاق را در آن نادیده گرفت.

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com

ویژگی های دولت های توتالیتر است اظهار داشت: همیشه در ساختار حکومت های توتالیتر می شود چنین ویژگی هایی را دید. آنتورک در ترکیه، رضا خان در ایران و مانو در چین تلاش کردند ناپکسان سازی اجباری را در جامعه به وجود آورند، که در چین پس از مانو با تحولات سیاسی و اجتماعی که در این کشور به وجود آمد، بخش عظیمی از مردم چین، پوشش اجباری را رها کردند. در ایران و ترکیه هم لباس اجباری مدتها با مخالفت های مردم روبه رو شد.

ورجاوند با ذکر این که بیشترین تاکید روی مسئله لباس ملی باید در قالب ارج نهادن به لباس های محلی باشد، گفت: باید به لباس های محلی و لباس تیره های مختلف ایرانی توان حضور بیشتری در جامعه بدهیم.

وی درباره تغییرات لباس با استفاده از دستورات حکومتی گفت: در ایران هم یک حرکت حکومتی را بعد از انقلاب در این زمینه شاهد بودیم. کت و شلوار را که پوشش فرنگی است حفظ، اما کراوات را حذف کردند. در حالی که ترکیب کت و شلوار و بیراهن بدون کراوات ترکیب نامانوسی است. کسانی که راس کار بودند، باید برای خلاء ناشی از حذف کراوات، طرحی نو در می انداختند که این کار را نکردند.

وی درباره طراحان لباس ملی گفت: طراحان لباس ملی باید بایشینه فرهنگی ایران کاملاً آشنا باشند و با بهره گرفتن از ویژگی های لباس های محلی و استفاده از نوآوریهای جهان نوین ترکیب زیبایی بوجود آورند. چون به شهادت آثاری که از هزاره چهارم پیش از میلاد به دست آمده است، چه به صورت تندیس، و چه به صورت حجاری های دوره عیلامی، هخامنشی، اشکانی یا ساسانی در ایران یکی از پرتنوع ترین شیوه های پوشش وجود داشته است.

ورجاوند در پایان در پاسخ به این پرسش که لباس ملی را در عرصه عمل چگونه ارزیابی می کند گفت: به نظر من اصل این طرح و اینکه یک لباس واحد را برای زنان و مردان ایرانی تهیه کنند، کار درستی نیست و جز با فشار آنها برای مدتی کوتاه قابل اجراء نخواهد بود. باید شرایطی را در جامعه به وجود آورد که پدید آورندگان و طراحان بتوانند طرح های مختلف را متناسب با موقعیت های اراد و شرایط سنی، با تکیه بر فرهنگ اصیل ایرانی ارائه کنند.

وی تصریح کرد: باید این سیاه پوشی را از جامعه ایران گرفت و گوناگونی رنگ رایه آن باز گرداند. جامعه ای که مردمش ناچار باشند همه از یک فرم متحدالشکل برای لباس استفاده کنند، همان جامعه تلخ مانو خواهد بود که اگر می خواست تداوم پیدا کند، مردمش امروز با فقری سیاه دست به گریبان بودند و چین به اردوگاهی وحشتناک تبدیل گشته بود.

گروه فرهنگ، شبنم رحمتی - به رغم اینکه تب لباس ملی جامعه را فرا گرفته و بحث و گفتگوهای فراوانی درباره آن میان صاحب نظران در گرفته است، اما به نظر می رسد هنوز برای رسیدن به یک استراتژی و تصمیم واحد در این حوزه راه درازی در پیش است. برای روشتر شدن ابعاد موضوع با دکتر پرویز ورجاوند، پژوهشگر فرهنگی گفت و گو کرده ایم. وی در این گفت و گو بارها بر بازگشت به پیشینه اصیل ایرانی تاکید و راه رهایی از مدهای غربی را توجه طراحان لباس به ویژگی های لباس های زیبای محلی عنوان کرد.

ورجاوند در آغاز درباره لباس ملی گفت: مشکل می توانید در سراسر جهان لباسی را بیابید که بتواند به عنوان لباس ملی، ویژگی های همه مردم آن سرزمین را پوشش بدهد. به طور عمده، لباس ملی عبارتست از لباس محلی مناطق مختلف. چون حتی در کشورهایی مانند هند و ژاپن که، به اعتباری، لباس متحدالشکل مربوط به زنان و مردان رواج دارد، با توجه به مناطق و گروههای مختلف اجتماعی، تفاوت های بزرگی در نحوه پوشش آنها مشاهده می شود.

وی تاکید کرد: اینکه شما بتوانید یک لباس واحد را طراحی کنید و استفاده از آن را در جامعه عمومیت بدهید، مسئله ای است بسیار مشکل آفرین.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا برای این طرح سابقه تاریخی در جهان دارد یا نه، اظهار داشت: به عنوان یک دستورالعمل و اینکه دستگاه حکومتی طرحی را تهیه و اجرا کرده باشد که همه مردم کم و بیش ملزم به پوشیدن یک لباس واحد باشند، می توان به ترکیه در زمان آنتورک، ایران در زمان رضاخان و چین در زمان مانو اشاره کرد. علاوه بر آن اگر بخواهیم قدری در طول تاریخ بررسی کنیم، متوجه می شویم که به شهادت سنگ کنده های تاریخی، در یونان و ایران و روم باستان هم از لباسهای متحدالشکل فقط گروههای خاص چون سپاهیان استفاده می کرده اند.

ورجاوند افزود: شمای توانید بزرگترین موزه مردم شناسی جهان را از نظر گوناگونی لباس ترینات در پلکان های آبادان در تخت جمشید مشاهده کنید. در این اثر، شما شاهد گروه های مختلفی از مردم هستید که با پوشش های متنوع هدایایی را از بخش های مختلف شاهنشاهی برای پادشاه پیشکش آورده اند.

وی افزود: به دلیل گستره فرهنگ ایران و کشورهای چون چین، هند و یونان، شما هیچگاه نمی توانید در این مناطق شاهد یک نوع پوشش واحد باشید. این تنوع و گوناگونی در پوشش و آرایش نشانه پویایی این فرهنگ است.

او همچنین با اشاره به اینکه یکسان سازی لباس از